

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی – فرهنگی

تیمورشاه "تیموری"

بهار و طبیعت

ای طبیعت چه نقاشی که دوصد نقش و نگار
مخمل سبزه بود پهن به کسوی و برزن
بلبلان مست گل و گل به تماشای چمن
نرگس همواره که چشمی نگرانی دارد
عاشقان از لب معشوقه تقاضا دارند
برگ گل نازکی تازه عذاری دارد
گسوی از باد صبا اشک یتیمان ریزد
زاسمان خون ببارد، بزمین خفته بخون
مردم صلح طلب صاف دل بی پروا
هر طرف گوش دهی آه یتیمان در گوش
طفل شیرخوار که جز در پی مادر نرود
دختران در سر بازار چو حیوان به فروش
هر جوان عقده بدل در پی شغلی پویان
آه و افسوس و صد افسوس که قلبی نتپید

کمی آماده و پیرونده در ایام بهار
لاله و سنبل و ریحان هزاران به هزار
طوطیان خنده کنان اند به هر کنج و کنار
دیده در راه بدوزد که چه آید ز بهار
بوسه ای چند که آرد نفس شان به شمار
غنچه شرمندگی از سرخی رنگ لب یار
زان همه سردی و بی رحمی ارباب کبار
مردم بی سر و بی پای به هر کوی و دیار
سوخت در آتش سنگین مسلمان و کفار
هرطرف بنگری صد مادر غمدیده قطار
مادرش رفته ز انتظار و ندارد غمخوار
قسمت بیوه زنان حال تباه قلب فگار
دست یک پیر نگیرند که ندارد غمخوار
زان کسانی که بدوش من و تو گشته سوار

این کسان اند که چون جـوک پلید خونخوار می مکند خون ز ابنای وطن چون سوسمار
 من و تو نان شب و روز گـدائی بکنیم آن کسان مالک میلیون و تریلون به هزار
 نان و آبـی نرسد بهر ضعیفان وطن فقر و بیچارگی افزون ز سرحد شمار
 پس بیائید پی چـاره این کار شویم حق خـود را بستانیم ز دیوان مکار
 رحـم بر مردم غمدیده بیچاره کنیم ظـالمان را بسر شان ببندیم افسار
 ای وطن فخر تو کو عزت و شانت به کجاست؟ این چه آورد به سرت ددمنشان خونخوار
 شهره از خـوبی بُدی در همه دنیا لیکن شهرت نیک تو گر دیده کنون بی مقدار
 یارب از فضل و کـرم رحمت خاصی بنما تا برون رفت ازین فـاجعهٔ پرادبار

آنچه از دست برفته ست بیارند به دست

نشود ظـلم و ستم بر سر مردم تکرار

(المان - ۲۲ مارچ ۲۰۱۲)